

سه روز در وُرو

فردین ویسی

معاون آموزگار دبستان انبیاء هَنگه ژاله و وُرو – مریوان

روستای وُرو
عکاس: بهمن شهبازی



معصومیت و
سادگی از من
پرسید: چرا من
فقط دو روز باید

به مدرسه بیایم، ولی
دانش‌آموزان روستاهای دیگر تمام

هفته به مدرسه می‌روند؟ من هم با تکیه بر قانون و مقررات
خشک برایش شرح دادم که چون تعداد دانش‌آموزان مدرسه‌ی
شما کم است، با روستای دیگر ادغام شده است و فقط یک
آموزگار هر دو مدرسه را اداره می‌کند و روزهای هفته برای هر دو
مدرسه است و سهم شما دو روز است.

انگار در دنیای ساده و معصومانه‌ی او جایی برای این قوانین
خشک و سخت نبود. با نگاهش ناراضایتی و ناراحتی‌اش را بیان
کرد.

حال مدتی است سؤال این دانش‌آموز برای خود من هم
مسئله‌ای شده است و بارها در مورد آن فکر کرده‌ام. از خودم
می‌پرسم، آیا نمی‌شود فکری، راه حلی یا برنامه‌ای برای این گونه
مدارس و دانش‌آموزانشان در نظر گرفت؟ آیا سهم او از مدرسه
فقط دو روز در هفته است؟

بعد از بیست و هشت سال خدمت، به دلایلی تصمیم گرفتم در
سال تحصیلی (۹۵ - ۹۴) در یکی از روستاها و مدارس چند پایه
تدریس کنم. از آنجا که سازمان‌دهی آموزگاران به صورت اینترنتی
بود، از سایتی که به همین منظور طراحی شده بود، اطلاعاتی در
مورد روستاهای منطقه به دست آوردم و یکی از آن‌ها را انتخاب
کردم. بعداً متوجه شدم این روستا به دلیل کمی دانش‌آموز، با
روستای دیگری که تعداد دانش‌آموزان آن هم به قولی زیر حد
استاندارد بود تجمیع شده بود. روزهای هفته در میان آن‌ها تقسیم
می‌شود. یعنی من دو روز هفته در روستای «هَنگه ژاله» سه روز
دیگر در روستای «وُرو» تدریس می‌کنم. لازم است ذکر کنم که
در هر دو روستا، از میان شش پایه‌ی تحصیلی، دو نفر پایه‌ی اول
دارم که این دانش‌آموزان پنج روز را در مدرسه نیستند و چون
تکرار و تمرین ندارند و در منزل هم کسی نیست با آن‌ها کار
کند، تا هفته‌ی آینده که به مدرسه می‌آیند، درس‌ها را فراموش
می‌کنند و من باید دوباره همان درس‌ها را برایشان تکرار کنم. این
کار هم باعث عقب‌افتادگی آن در درس‌ها و هم به خاطر تکرار
حجم زیاد درس‌های فراموش شده، باعث خستگی و بی‌زاری‌شان
می‌شود.
در یکی از روزها، بعد از درس، یک دانش‌آموز پایه‌ی اول در کمال